

محصولات وطنی



بنزین پارس BP

نفت نخلی نفت ایران

بنزین پارس و نفت نخلی در

کلید نقاط طهران بفروش میرسد


کا کا او بنسدر پ معروف

بد ختر نشان دارای تمام ترکیبات اصلی و طبیعی کا کا او میباشد که محتوی گرس - نشاسته کلو کوژ - قند - سلونور - مواد مسلوله - مواد آلبومینوئید - نانو برمین و غیره است و هیچ قسم صنعتی در تهیه آن اعمال نگشته

ENO'S "FRUIT SALT"

فروت سالت انو

نک سیوه انو



یکی از دردمان های بسیار است که در این باره با پزشکان و متخصصان مشورت کنید

نشان و تصویر فوق را در تمام داروخانه ها و مراکز بهداشتی و درمانی مشاهده کنید

بسیار عالی است که در این باره با پزشکان و متخصصان مشورت کنید

فروشنده گان نام در تهران و سایر شهرات


پرس آن نفت

بنزین نفت و روغن



را که محصول معادن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در بادکوبه و بهترین جنس مواد نفتی میباشد فروش در همه جا و بهر مقدار

گر انوله و بتاوی



GLYCÉRO-PHOSPHATE GRANULE VITAV ROLLAND

Glycérosphate identique a celui de l'organisme

A BASE DE CHAUX ou de SOUDE ou de FER ou COMPOSE

ÉTABLISSEMENTS ROLLAND FRÈRES SURESNES

مرکب است از پنج قسم گلی سره فسفات ها در امراض ذیل بسی مفید و نتیجه بخش است کم خونی زنها - ضعف خبالی - فقر الدم - خستگی عمومی - نقاهت و مقوی سلسله اعصاب غده ها است

بالاخره مواقعی که بدن برای جبران مافات و رنخل با بتخلل محتاج باشد مانند زمان حمل و شیر دادن استعمال گر انوله و بتاوی لازم است

مرکز فروش پنج قلم ادویه مؤثره فوق در درواخانه و عمده فروشی نور طهران و تک فروشی در تمام دواخانه های مرکز و ولایات

اطباء محترم برای کسب اطلاعات مفصل تر بدواخانه نور جوع فرمائید

مستوره و اوراق چاپی بزبان فارسی و السنه مختلفه داده میشود

نمبره اعلان ۸۵۸

چاپخانه فردین و برادر لاله زار اول کوچه بولن

بهای طوفان

یک ساله ۱۰۰ قران شش ماهه ۵۰ قران ولایات و خارجه بملاوه اجرت بست

(جایی اواره)

طهران - خیابان علاء الدوله نمبره تلفن ۱۱۶۸ تک شماره ۸ شاهی

طوفان هفتگی

صاحب امتیاز و مدیر فنی

صنایع مستظرفه

نظم آقای میرزا اسمعیل خان بیکان

صنایع مستظرفه و صنایع مفیده

کلمه « صنعت » بموجب تعریفی که در مقاله گذشته مفصلاً شرح دادیم یک تعبیر عمومی شامل همه صنایع بشر میباشد و در واقع مفهوم این کلمه در زبان فارسی و عربی بهمین اندازه وسیع بوده و بدین سبب است که در مواقع لزوم با پاره قیودی که بر آن علاوه میشود ، مفهوم عام آن به انواع مخصوص و معینی از آن اختصاص مییابد مثل « صنایع مستظرفه Bunt Arts » و « صنایع مفیده حرفه Arts Industriels » و این تفکیک هم ضروریست : زیرا که کلمه « صنعت » در اولی بمعنی هنری شگرف و در دومی بمعنی پیشه ساده است . و این دو ، نظر بر غایب که دارند ، از یکدیگر بکلی مجزی هستند . در فن « بداعت - Esthétique » فقط از اولی بحث میشود و دومی از موضوع این فن کاملاً خارج است .

برای توضیح این مطلب مهم ، مثال ساده ذکر کرده میگوئیم :

یک صندلی حصیر عادی را ، از مصنوعات بشر ، در نظر بگیرید ؛ در ساختن آن البته نتیجه منظور بوده ، یعنی کسیکه تخته ها و چوبها و حصیرها و میخها را فراهم آورده میخواهد از آنها صندلی بسازد ، بدینیه است که مقصودی دارد و مقصودش این است که روی آن بنشینند و اسباب راحت نشینند هم فراهم آید باینگونه مقاصد بطور کلی « فایده - utilité » میگویند و کسانی را که این قسم فواید را در نظر گرفته آثار بی وجود میآورند « پیشه ور - Artisan » و کار آنها را « پیشه industrie » مینامند اینگونه اثرها با فن « بداعت » هرگز مناسبتی ندارد .

حالا فرض کنیم که قسمت حصیری آن صندلی با فیهای رنگارنگ بافته شده و قسمتهای چوبی آن با پاره قورش نقش گردیده و بالاخره یک صندلی ظریف و قشنگی ساخته شود ، قطعی است که این صندلی از حیث استراحت صندلی نشین فایده بیشتر از اولی نخواهد داشت در صورتیکه در ساختن این صندلی نیز همان فایده صندلی اولی منظور بوده است ولیکن به مجرد اینکه برنگ و روغن و نقش و نگار آن مبادرت گردید مسئله تزئین و قضیه هنروری بمیان میآید هیچ فرقی در غایب منظور از آن صندلی حاصل نمیشود ؛ زیرا چنانکه گفتیم ؛ نتیجه که از این تزئینات منظور گردیده ، یک فایده مادی نبوده و بلکه مقصود از آن تزئینات ؛ بخشیدن یک ذوق معنوی است برای ناظرین آن ؛ مثلاً ، در ها و پنجره هائیکه در دوره عباسی برای عمارات دولتی اصفهان ساخته شده از این قبیل بوده و پیدا است استادانیکه این در و بیکر ها را ساخته اند ، مقصود ایشان فقط جلو گیری از سرما و گرما و امثال اینها نبوده و بلکه خواسته اند هنر شگرفی هم بکار برده اثر ظریفی بوجود بیاورند .

در واقع در این صنایع یک نوع ظرافت و بداعتی هم نظر شما را جلب میکند که دارای اسلوب مخصوصی نیز بوده که آن را خاتمکاری مینامند .

اگر چه تزئینات عادی که بر در ها و پنجره های معمولی پیدا میشود با نقش و نگاری که در ها و پنجره های چهل ستون اصفهان داشته از حیث ظرافت و اسلوب فوق زیادی میکند ، ولی از نقطه نظر ، ماهیت هیچ تفاوتی نمییابد . و هر دودر ماهیت زینت است ؛ زینت هر چه ترقی و تنزل نماید ، باز غایب آن ذوق است چنانکه ؛ همیا کل زشت و نامطبوعی که بعضی از قبایل وحشی با ک ساخته و در پرتو آفتاب میخشکانند و مجسمه های زیبا و مشهور « زبی تر » و (آبوللون) از یک جنسند ، شبهه نیست که این آثار می باشد .

قیمت اعلانات

صفحه اول مطری ۵ قران دوم ۳ قران از سرم الی هشت یک قران

(طوفان هفتگی)

نامقاسات ادبی اجتماعی و سه شنبه ها منتشر میشود عنوان تلگرافی طوفان

۳ شنبه ۲۹ آبان ماه ۱۳۰۷ شماره هفتگی ۱۲ ۷ شهر جمادی الاخر ۱۳۴۷ شماره مسلسل ۶۶ ۲۰ نوامبر ۱۹۲۸

غزل



سرخط عاشقی را روز است دادم
نهاده یاد را بر این راه - سر راز دست دادم

توب کان ابرو دل را نشانه کردی
عینم مکن بستی کز حربه درستی

این بد در ستهارا آخر شکست دادم
تا چشم و ابرو بر تو بیوسته دادم الفت

تغ هزار دم را در دست دست دادم
در بند طره دوست بستم ز سادگی دل

غافل که جان خود را زین بندوست دادم
ای لعبت سیاهی از جان من چه خواهی

تو آنچه بود بر دی بردی من هر چه هست دادم

فرنی

حیرت انگیز استادان چیره دست یونان قدیم قدرت الهام یک دهای خارق العاده را ارائه میدهند در باب (ادوات تصور conception et expression) درجه کمالی را که دارند ؛ پیدا است که جلوه عرفان یک مدنیت عالی و مکملی است . و بنا بر این است که در باب صنعت و حرفه فقط بملاحظه غایب فایده آنها را داده شده و ماهیت صنایع بشری از این حیث تعیین میگردد که آیا مفید فایده مادی بوده یا موهب یک حظ و ذوق معنوی است ؛ و صنایع مذکور هر چند عادی و ابتدائی باشد ؛ باز ما هیت اصلی آنها فرق نمیکند . تاوتویکیه در این باب جالب نظر تواند بود فرق مدنیتی است که آنها را بوجود میآورد ؛ بنا بر این صنعت (بمعنویکه موضوع فن بداعت است) هیچگونه مناسبتی با فایده مادی ندارد و بلکه علاقه و ارتباط آن فقط با ذوق و حظ است و بس ؛ حتی هر اثر صنعت بهر اندازه که ز فواید و منافع مادی دور تر گردد بر قیمت و اهمیت صنعتی آن بهمان اندازه افزوده میشود .

از اینجاست که یک لوحه ، یک مجسمه ، یک شعر ؛ بیش از یک درب یا یک تخته ظریفتری اثر صنعت است ؛ زیرا که درب و تخته هر چه ظریفتر و استادانه ساخته شود باز برای تحصیل یک فایده مادی و رفع احتیاجی ساخته شده است . و حال آنکه یک لوحه نقاشی فقط برای آن نگاشته میشود که انسان را یک « هیجان بدیعی » ببخشد و این ذوق باهیجانی که آن می بخشد عالیترین و نیز بهترین حظوظ نفسانیه بشر است . فن « بداعت » که فلسفه صنایع مستظرفه شمرده میشود - فقط از این قبیل آثار بحث کرده ، در صدد تعیین قیمت و اهمیت آنها بوده ، منشأ و ماهیت ذوق و هیجان بدیعی و تجلیات آن را تحقیق کرده ، با تدقیق روحی مزاج و استعداد هنروران اشتغال ورزیده ، برای کشف و تعیین مناسباتی - که این استعداد فوق العاده با مدنیت و تربیت ملل دارد - کوشیده ؛ عوامل مادی و معنوی محیط آنها را تجزیه و تدقیق نموده و علاوه بر همه اینها جد و جهد میکند که ماهیت حسن را کشف کرده و معلوم دارد .

از این بیانات مختصر معلوم میشود که فرق مابین صنایع مستظرفه و صنایع مفیده یک فرق اساسی بوده و این تقسیم از نقطه نظر غایت و نتیجه آنها ضروری و بدیهی می باشد .

قدری فلسفه

— ۳ —

سابقاً ذکر شد فلسفه بدو قدمت Ecole عمده تقسیم شده یونانی و ایتالیائی فلسفه یونانی و شعبات آنرا دانستیم اشک فلسفه ایتالیائی بیان میشود در سال ۵۶۴ قبل از میلاد شخص یونانی در جزیره ساموس جزایر یونان متولد گردید و پس از تحصیل معلومات ابتدائی تفکر فلسفه و سایر اطلاعات عالیه آن زمان اقتاد و باین قصد و خیال از یونان مهاجرت کرده به مصر آمد چندی در شهر ممفیس و تب اقامت نموده از کاهنان و رؤسای مذهبی مصر مطالب بسیاری آموخت مصریان برای استفاده از رود نیل مجبور بساختن سدا و حفر کانال های مصنوعی بوده اند این احتیاج طبعاً آنان را در علوم هندسه و مساحی ماهر نموده بود دانشمند یونانی بسیاری از مسائل ریاضی را در سر زمین نیل بخونی فرا گرفت و از آنجا به فنیقیه مهاجرت کرد فنیقیان هم در علم و تمدن کمتر از مصریان نبودند و سرمایه جدیدی بر معلومات اولیه حکیم یونانی افزوده شد حکیم دانشمند پس از سیاحت در مصروف فنیقیه يك مسافرتی هم به سمت بابل کرد و از آن خرمن خوشه های هنگفتی بدست آورد و همینکه بقدر لازم مجاهدات علمی خود را بیابان رسانید عازم ایتالیا گردید و در شهر کروتون مدرسه تاسیس نموده بتربیت و تعلیم شاگردان مشغول گشت این فیلسوف بزرگ مؤسس فلسفه ایتالیائی و فیثاغورث حکیم مشهور میباشد که تا کنون نظرات وی مورد دقت و استفاده دانشمندان است جدول ضرب فیثاغورث بعد از دو هزار و پانصد سال بقسمی ترونازه مانده که هر صبح و شام در دنیای متمدن بکار میرود باری اطلاعات و معلومات عمده فیثاغورث در حساب و هندسه و موسیقی و شراعی آن عصر بعد کمال بوده است شاگردان مدرسه فیثاغورث دو دسته بوده اند دسته اگر ماتیک و دسته اگر ماتیگ نامیده میشود دسته اول که عمده آنان بالغ بر شصت نفر میشد دروس خود را روزانه حاضر نموده شب ها بخدمت معلم میرسیدند و فیثاغورث از پشت پرده به تدریس شروع میشد دوره تحصیل این فرقه

زین قابل تغییر و فساد خواهند بود بر عکس هوای مجاور کرات آسمان بسیار لطیف و رقیق میباشد و در نتیجه موجودات آسمانی از فناء و زوال ظاهری یعنی تغییر صورت محفوظ مانده اند بهر حال پس از مرگ فیثاغورث شاگردان و پیروان وی در اطراف دنیای معلوم امروز متفرق شدند و بقدر فهم و استعداد خویش مدارس فلسفه جدیدی تاسیس کردند که به چهار قسمت عمده تقسیم میگردد: هیر قلیطی و الیاتیکی و بیرهونی و آبیقوری مؤسس دسته اول حکیمی موسوم به هیر قلیط است که در پانصد سال قبل از میلاد متولد شده و پس از تحصیل مبادی فلسفه نزد فیثاغورث از شهر دوری نموده موطن بیغوله شد و فقط در سن بیست و نه سالگی از آنجا از راه هیر قلیط میگشت که تا آن موقع چیزی درک نکرده بود است ولی بعد از مراجعت و باز گشت بقسمی مغرور بود که مدعی دانستن کلیه حقایق اشیاء گردید هیر قلیط فوق العاده متکبر و مغرور بوده و با هیچ کس آبرزش نمیکرد و تمام طبقات را است و ناچیز میدانست از اصول تعلیم وی تقوی یرهیز کاری و ترک خوردن هر گونه حیوانی میباشد و جدو مؤسس فرقه الیاتیکی شخصی الیا نام از اهالی ایتالیا میباشد که بازمیت عالم معتقد بوده است ولادت این حکیم در سنه ۵۰۸ قبل از میلاد بوده ولی فلسفه اش چندان رواج نیافت زیرا با ستایش آلهه آن عصر مخالفت می کرد و از ایشرو بزودی خود و شاگردانش مقهور محیط شدند بیرهون از اهالی ایتالیا که در سنه ۳۷۴ قبل از میلاد متولد شده سر سلسله فرقه بیرهونی است از فلسفه و تعالیم مشهور این حکیم شک و تردید در تمام امور محسوس و معقوله است بیرهون و شاگردانش از ابتدای زندگی تا آخر عمر کاری جز متزلزل کردن نظرات سابقین نداشتند و هر حکمت و فلسفه بلکه هر موجودی را محقق و حتمی میدانستند مثلاً خود بیرهون در موقع عبور در معابر عمومی اگر به محظور با مانی بر می خورد بقدری در وجود اشیاء شک و شبهه داشت که آن محظور را هم تصور میکرد و باری مصادم شده غالباً صدمه میدید گویند روزی هنگام عبور سگی هاز بر روی حمله کرد بیرهون از خود دفاع نمود سگ را از پیش رانید یکی از شاگردان پرسید که این خلاف عادت بوده و نبایدستی از موهومات دفاع کرد

صنایع مستظرفه ایران

— ۷ —

نظریات نگارنده راجع به صنایع فوق الذکر صنایع مستظرفه ایران را بر حسب خواهش مدیر محترم طوفان ادبی درشش شماره نکاشتم. اکنون لازم است که چند سطر در باره احیا کردن صنایع مزبور بنویسم: اگرچه هر وقت قلمی بردارم و غرضی گمارم بر اینکه چیزی راجع بصنایع مستظرفه نگارم این بیت لسان الغیب از غیب بلسان من روانه میشود که: «هنرمینخر دارم و غیر از بنم نیست! کجا بروم بتجارت بدین کساد متاع؟» بعقیده من تا کارها در روی اغراض شخصی و خصوصیات است هواداران صنایع بیخود خود را خسته می کنند باری ما اگر بخواهیم (صنایع مستظرفه) داشته باشیم باید عملیات فرانسویها را سرمشق خود قرار دهیم.

بعد از جنگ بین المللی که شامات به قیومیت فرانسه در آمد دولت مذکور در تحت ریاست یکی از مستشرقین خود در عمارتی که سابقاً متعلق بیکي از پادشاهان دولت ترک بود و آن عمارت خود نیز بسیار تماشائی است مدرسه تاسیس نمود و تمام ارباب صنایع مستظرفه شامات را به آنجا دعوت کرد علاوه بر اساتید آن سامان از هندو چین حتی ایران هم اساتید طلبیدند رئیس آنه مؤسس صنعتی که با آقای میرزا مهدی خان دیبا (شاعر الدوله) که یکی از اشخاص با اطلاع و بصیر و با ذوق و فاضل و از نقاشی نیز بی بهره نیستند گویا سابقه دوستی داشته است و بتوسط جناب ایشان نقاشی خواسته بودند که در فن تذهیب و میزما مهارت تمام داشته باشد شاعر الدوله هم به نکارند و تکلیف نمودند من چون چندین سال بود در خارجه بودم و میل داشتم مدتی در وطن زندگی در جراید منتشر گردید: (ارباب صنایع تا فلان موقع آثار موجود خود را بوزارت معارف ارسال دارند که در نمایشگاه پاریس فروخته شده و قیمت بانها داد شود) بنده که چند پارچه کار باشیوه خالص ایران (مینار) با يك اسلوب مخصوصی تهیه نموده بودم در سر معربوزارت معارف رقم از هر کسی پرسیدم که این کار بکدام دایره اداره مربوط است؟ جواب درست نشنیدم بالاخره متصدی این امر را پیدا کرده بعد از انتظار زیاد موفق به ملاقات ایشان گردیدم و اظهار نمودم که مقداری کار برای نمایشگاه که اعلان کرده بودید حاضر کرده ام. ایشان تعجب نمودند و معلوم شد که اصلاً از موضوع خبر ندارند بعد از توضیحات زیاد تازه گفتند این تایش در ایتالیا بود یا فرانسه؟ گفتم خودتان اعلان کرده بودید که در فرانسه است و روز نامه را بیرون آوردم بعد از مطالعه گفتم: بلی فهمیدم ولی اقدامات کردیم، حالا چه لزوم دارد شما بتوسط وزارت معارف میتواند در مدرسه مذکور مقدار کافی از آثار اساتید قدیم را جمع نموده برای تشویق و تحریص شاگردان آن مدرسه موزه کوچکی ترتیب دهد آن وقت ما میتوانیم مردم را بشغل آزادی مانند صنعت و اداری نموده موافق مرام خود نتیجه بگیریم دیگر آن که وزارت معارف میتواند دو سال يك مرتبه کار های استاد ها و شاگردان مدرسه مزبور را در شهر های مهم اروپا و امریکا بعارض

تایش گذارده بفروشد بطوریکه اعتضاد السلطنه وزیر علوم در چندین سال قبل کرد: در ممالک فرانسه هر چند سالی يك بار بازار و نمایشگاه افتتاح می باید. در این نمایشگاه انواع چیز ها از تمام دنیا آورده بفروش میرسانند و در همان دوره که مرسوم اعتضاد السلطنه وزیر علوم بوده فرانسه بر حسب معمول از ایران دعوت میکند وزیر علوم هم علاوه بر اعتمه دیگر دوزخ از تومان تذهیب خریدار ارسال میکنند شخص موافقی که در آن وقت حضور داشته است نقل میکرد دو هزار تومان تذهیب وزیر علوم ۲۶ هزار تومان فروخته شد چند سال پیش که همان نمایشگاه و بازار مجدداً افتتاح شد يك سال قبل از دولت ایران دعوت کردند و از طرف وزارت معارف اعلانی به ضمون ذیل در جراید منتشر گردید: (ارباب صنایع تا فلان موقع آثار موجود خود را بوزارت معارف ارسال دارند که در نمایشگاه پاریس فروخته شده و قیمت بانها داد شود) بنده که چند پارچه کار باشیوه خالص ایران (مینار) با يك اسلوب مخصوصی تهیه نموده بودم در سر معربوزارت معارف رقم از هر کسی پرسیدم که این کار بکدام دایره اداره مربوط است؟ جواب درست نشنیدم بالاخره متصدی این امر را پیدا کرده بعد از انتظار زیاد موفق به ملاقات ایشان گردیدم و اظهار نمودم که مقداری کار برای نمایشگاه که اعلان کرده بودید حاضر کرده ام. ایشان تعجب نمودند و معلوم شد که اصلاً از موضوع خبر ندارند بعد از توضیحات زیاد تازه گفتند این تایش در ایتالیا بود یا فرانسه؟ گفتم خودتان اعلان کرده بودید که در فرانسه است و روز نامه را بیرون آوردم بعد از مطالعه گفتم: بلی فهمیدم ولی اقدامات کردیم، حالا چه لزوم دارد شما بتوسط وزارت معارف میتواند در مدرسه مذکور مقدار کافی از آثار اساتید قدیم را جمع نموده برای تشویق و تحریص شاگردان آن مدرسه موزه کوچکی ترتیب دهد آن وقت ما میتوانیم مردم را بشغل آزادی مانند صنعت و اداری نموده موافق مرام خود نتیجه بگیریم دیگر آن که وزارت معارف میتواند دو سال يك مرتبه کار های استاد ها و شاگردان مدرسه مزبور را در شهر های مهم اروپا و امریکا بعارض

يك درس الفباء

— ۲ —

پیش گفتیم الفبای کنونی ما با عربی بایران آمده و از همان توقع اصلاحاتی در طرز تحریر آن شده است این الفباء مرکب از بیست و هشت حرف میباشد که غالب اشکال آن مشابه و با نقطه گذاری از یکدیگر متمایز میگردد اگر شکل حزه را نیز بطور جدا گانه اضافه نمائیم مجموع حروف الفبای عربی بیست و نه حرف بوده و پس از علاوه نمودن چهار حرف (پ چ ژ ک) مخصوص زبان فارسی کلیه اشکال الفبای کنونی ما سی و سه حرف میشود در زبان عربی تقسیمات چندی برای الفباء قائل شده اند که کم و بیش آن در فارسی نیز مراعات میگردد مثلاً حروف ث و ص و س در عربی هر يك جزء طبقه مخصوصی شمرده میشود و تلفظ آنها بکلی مختلف است اگر چه در زبان فارسی موقع تلفظ کمتر اهمیتی به تفکیک صدای این حروف داده شده ولی برای صحت املاء البته باید توجه مخصوصی این قسمت نمود زیرا اگر کلمه صور و سور هر دو بیک املاء نوشته شود افاده مرام نخواهد نمود فرضاً تصور کنیم از رؤس مطلب معنای لازم درک خواهد شد بدیهی است این قاعده کلیت نداشته و اجرای آن کار آسانی نخواهد بود دیگر از تقسیمات الفبای عربی مسئله شمسی و قمری است که آن نیز برای زبان فارسی با دستگیری گردیده و کاملاً بایستی مراعات شود عربی در بعضی از کلمات (مطابق تقسیم حروف الفباء شمسی و قمری) لام الف و لام را تلفظ نموده و در پاره کلمات دیگر لام را حذف نموده حرف اول کلمه را مشدد مینماید: الشمس و غیره حال محض اینکه کودک هفت ساله ایرانی بمدرسه آمد آیا میتوان باوقه نماید که در کلمه معمولی علیک السلام لام الف و لام شمسی است و باید در تلفظ حذف شود البته فهمیدن الفبای بدین پر پیچ و خمی جز تضییع وقت شاگرد و تحمیلات برقوای دماغی او نتیجه نخواهد داشت در آتازونی معمول است کتابهایی را که برای تدریس در مدارس تألیف میکنند حتماً بایستی شورای صحتی اطباء ارجاع شود تا میزان قوای طبیعی محصل بطور متوسط سنجیده شده و مراعات مطالب کتاب بشود چه بسا يك مسئله مشکل ریاضی یا يك عبارت پر آب و تاب سبب يك صورت عملی بخود بگیرد

انتهی رسام ارزنگی

فوق العاده برای آست که ملل متمدن مغز و دماغ نورس آن خود توجه مخصوصی داشته فکر سلیم را در که سالم باقیه اند بدیهی است اشکال عمده ما نداشتن لغت فارسی است که مجبوریم کلمات بیگانه را با مرعات قواعد آن استعمال کنیم ولی بالاخره بایستی باین اسارت ادبی ختمه داده شود باری الفبای عربی مانند سایر الفبا های معموله دارای اسم و سعی میباشد مثلاً اسم این شکل (ج) جیم و تلفظ آن فقط «ج» است این عیب و نقصان در سایر الفبا ها نیز موجود بوده و حتی در پاره زبانها شدید تر است زیرا در زبان فرانسه اسم این علامت «لا» ایگربک و تلفظ آن تقریباً «ی» خواهد بود غالب آموزگاران در موقع تدریس اطفال متوجه این نکته بوده فقط مسمای اشکال را تلفظ میکنند دیگر از مشخصات الفبای ما مسئله نقطه گذاری است که تا چندی میان عربی معمول نبوده ولی در نتیجه اشتباهات و اختلافات وارده به نقطه گذاری پی بردند گویند در سال ۶۵ هجری ایام خلافت عبدالملک بن مروان بدستور حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق ترتیب نقطه گذاری حروف و کلمات معمول شد که تا کنون نیز با مختصر تغییر در زبان فارسی متداول است با این ترتیب تقسیم جدیدی از حیث حروف بی نقطه مهمله و با نقطه معجمه در الفباء پدید آمدن تقسیم اخیر در رسم و مسمای حروف مختلف میشود مثل اینکه حرف ع امش (عین) با نقطه و مسمایش بدون نقطه است پس باید برای اینگونه حروف طبقه بندی مخصوصی قائل شد بهر حال مطابق معمول الفبای معموله عالم به در قسمت بی صدا و با صدا تقسیم میگردد الفبای ما از این قسمت آسوده مانده و تمام حروف آبی ساک است اگر چه بعضی حروف عله (وای) را همان حروف صدا دار پنداشته اند ولی بر فرض صحت این تصور ابتدا و آوردن تمام کلمات با این سه صدا عملی نخواهد بود پس باید همان حرکات سه کانه «زیر زیر پیش» را صدا های مجزومی کلمات دانسته و بدون چون و چرا قبول کرد و خوشبختانه در زبان فارسی آخر کلمات ساکن است و فقط در قسمت اضافه و صفت آخر کلمه متحرک میشود برعکس زبان عربی که مطابق قوانین نحوی آخر هر کلمه باید حرکت مخصوصی داشته باشد این مطلب در زبان فارسی هم سرایت نموده و پاره

کلمات را با همان حرکات آخر عربی استعمال میکند ولی از این هم گذشته کلمات فرسی از اعراب حرکت و صدا آوردن حروف بی صدا البته بی نیاز و مستعنی بخواد بود و همین قضیه مقدار زیادی بر صعوبت تعلیم خواندن و نوشتن فارس افزوده است

یک طفل عرب زبان که از همان اوان کودکی کلمه عین (چشم را) از کسان خود شنیده البته پس از آموختن نوشتن آن فوراً همان تلفظ صحیح را در نظر میآورد اما برای کودک ایرانی که در مقابل مفهوم عین عربی کلمه چشم شنیده حتماً بایستی کلمه را با حرکات صحیح و حتی املائی واقعی نوشته مجسم نمود و خصوصاً حرف اول آنرا از بیخ کلمه تلفظ نمود تا از اشتباه لفظی و خطی آن جلوگیری شود و گرنه ممکن است طفل بیکانه از لغات عربی همان کلمه را چندین قسم نوشته و تلفظ نماید حال که ترتیب آموختن خط و زبان فارسی برای خود ما ایرانیان با آن درجه مشکل و تحمل ناپذیر است آیا بیگانگی که فقط باعث آشنائی باحالت و عادت در بین ما بفرمان آموختن زبان فرسی میافتند در چه عذاب الیمی دچار گرفتار خواهند شد پس اگر مستشرق بیچاره بعد از سالها زحمت و مرارت کلمه مولوی را در حضور جمعی مولوی mulooy تلفظ نموده بر کشیدی وی باید خندید بلکه برینوانی فرسی زبانان بایستی گریه نمود

علی جواهر الکلام

بقلم آقای ا. سبحان

روزنامه نویسی

روزنامه نویسی چطور فکر میکند؟ چگونه مینویسد؟

- ۲ -

روزنامه نویسی در بسیاری از مواقع حقیقت را بلباس استهزا و تمسخر جلوه داده و طرف را روی این زمین تعقیب نموده است! مثلاً می نویسد: «برای مسیونست» که شش ماه وزارت کرده و یک کوپ شراب را بنشیند هزار فرنگ قیمت نوشیده مایاید مجسمه بسازیم»

بطور مختصر روزنامه نویسی لازم است که اوضاع و احوال و افکار و رویدادها هر روز مردم را بطوری آگاه و بقیسمی حساس باشد که بتواند در دماغ خود مناظر جریانات یومیه را مثل آینه مرتسم کند

بعضی از خوانندگان مطالب خواندن اینگونه روزنامه می گرداند روزنامه نویسی برای اهمیت و آبرومندی روزنامه اش همیشه در این فکر است که

رباعی

عشق بدم در آمد و شاد برفت
بلا آمد و درخت ناز بنهاد و برفت
گفتم بکفک در سه روزی بنشین
بشست و کنون رفتش از یاد برفت
(جلال الدین رومی)

نمی توانست این چیزها را تفسیر کند ولی ممکن است روزنامه مبین و مفسر مرام و تعابیل آنها واقع شود زیرا که روزنامه ناشر افکار ملت است

جمعی عقیده دارند که جیات دوام یک روزنامه بر این است که روزنامه مقامات اشخاص بزرگ یا نویسندگان عالی مقام را در مندرجات خود گنجانده و از ثبت اعضای آنها و زانات اهمیت برای روزنامه خودش فراهم کند روزنامه آن منتسب بیک از احزاب مهم سیاسی باشد تا بدینوسیله روزنامه دوام و بقا پیدا نموده و این اشخاص و احزاب برای ادامه و بقای نام شخصی و حزبی خود طرفدار آن باشند ولی مسئله دوام و بقای روزنامه اینها نیست بلکه نگهدار و حافظ بقای روزنامه حفظ مرام، بزرگی و زیبایی عبارات و بیان و قلم اوست بودن روی یک مرام و عقیده؛ اول چیزی است که باعث دوام یک روزنامه گردیده و در مقابل هر گونه حوادث میتوان روزنامه نویسی را نگهداری نموده و برای او فداکاری نماید و نیز نوشتن اخبار صحیح و در ج و انتشار مطالب مفیده و مهیج روحی مردم بهترین طرفدار دوام و بقای یک روزنامه خواهد بود و ما برای استحضار خاطر قارئین محترم قسمتی از تاریخچه روزنامه محمک مشهور «امیل ژورناردن» ظهور کرد که در عالم مطبوعات و جریده نگاری تغییرات عمده ایرا باعث شد در ۱۸۳۶ بواسطه نگارشات و آثار قلمی «الکساندر دوما» در اثر زمان نویسی وقصه نگاری آن نویسنده زبر دست موجبات تحجیب قلوب جماعت نسوان فراهم آمد:

«الکساندر دوما» از رمان نویسی نروژی هفتک پیدا کرد نویسنده نروژی نام اوایل قرن شانزدهم (۱۶۰۹) انتشار یافت؛ و از اولین مطبوعات فرانسه است که از بدو بیدایش تا کنون دوام یافته

روزنامه «کازیت» آندوره علاوه بر خیر نگار مخصوصی که داشت متضمن قسمتی از اشعار و منظومات جالب نظر

و ذوق فرانسوی ها بوده؛ نویسنده آن مسیو «بودفرست رینودو» اول روزنامه نگار مشهور فرانسه است مشارالیه در اول امر شغل طبابت داشته بعدها طبابت را ترک کرده و داخل رشته ادبیات و روزنامه نگاری شد؛ رینودو عقیده داشت؛ علاج امراض انسانی بدان دو و مراجعه بطیب و درخانه نمیشود بلکه بیکانه علاج درد های بشر روزنامه خوانی و یگانه طبابت و معالجه برای آن ها روزنامه نویسی است:

روزنامه کازیت؛ ابتدا اخبار خصوصی راجع بگذارش و عملیات بزرگان و اشراف آن دوره را انتشار می داد؛ «ریشلیو» وزیر معروف لوئی-پیزدهم با اهمیت روزنامه «کازیت» منتشر شده؛ دست خود را روی آن روزنامه گذاشت و بعد ها مطابق مرام سیاسی خود جریان آنرا ادامه داده «کازیت» را روزنامه رسمی دولتی قرار داد

روزنامه های آن قرن فقط هسه نهال بر زمین روزنامه نگاری جدید بودند و در همین قرن اشخاص پیدا شدند که بهخبرین «لوپولیت» مشهور شده عهده دار مخبری امور مهمه و وقایع حادثه اجتماعی گردیدند؛ «مخبرین» حوادث شهری و نگارشات مملکتی را در مجالس و محافل بعرض عموم رسانیده، پیش مردم خیلی اهمیت و آبرو داشتند

در قرن بعدا شجار روزنامه نگاری با رور شده

روزنامه ها «برای بیداری و آگاهی عموم خدمتانی بزرگ را بجامعه بشریت تقدیم کردند؛ در ۱۸۳۰ روزنامه نویسی مشهور «امیل ژورناردن» ظهور کرد که در عالم مطبوعات و جریده نگاری تغییرات عمده ایرا باعث شد در ۱۸۳۶ بواسطه نگارشات و آثار قلمی «الکساندر دوما» در اثر زمان نویسی وقصه نگاری آن نویسنده زبر دست موجبات تحجیب قلوب جماعت نسوان فراهم آمد:

«الکساندر دوما» از رمان نویسی نروژی هفتک پیدا کرد نویسنده نروژی نام اوایل قرن شانزدهم (۱۶۰۹) انتشار یافت؛ و از اولین مطبوعات فرانسه است که از بدو بیدایش تا کنون دوام یافته

روزنامه «کازیت» آندوره علاوه بر خیر نگار مخصوصی که داشت متضمن قسمتی از اشعار و منظومات جالب نظر

را باید متذکر شد این نویسنده عالی مقام وقتی که طبعه روزنامه خودش را منتشر کرد سلطنت امپراطوری را تکلیفی سخت داده ضمناً خاطر عموم را بجنب خیلی از خرابی های اوضاع متوجه نمود دوره روزنامه نگاری این نویسنده را ممکن است بجهتوریت سوم اتصال داد؛ که در آن موقع قانون روزنامه نگاری و انتظارات تدوین شد؛ قانون مزبور مهمترین قوانینی است که ضامن آزادی قلم شده و بعالم مطبوعات خدمتی شایسته را تقدیم نمود در همچو موقعی روزنامه های فرانسه متضمن یک سلسله اخبار و موضوعات مختلفه بوده صورت های فکرافی زیادی را در برداشت و ذوق خیر نگاری را از روزنامه های امریکائی استفاده نمود؛ از خصوصاتی که روزنامه های فرانسه بدان ممتاز گردید؛ اتحاد مسلمک و جدت نظر و توجه فکری آنها بود؛ مسیو ژورناردن در کتاب خودش این موضوع را شرح داده مینویسد: «اگر ما سه نفر روزنامه نویس داشته باشیم که یکی از آنها: «انگلیسی» دیگری «امریکائی» سومی «فرانسوی» باشد و آنها دستور بدیم که بروسیه رفته از اخبار بلشویکی برای ما خبر نگاری کنند؛ آیا آنها چه خواهند کرد؛ در این مورد مثلاً فرانسوی» روی فکر شخصی کار کرده با این نظریه طرفدار بلشویک یا دشمن آن میشود؛ انگلیسی عینک و یا دور بین انگلیسی خرد در برابر چشمهایش گذاشته با نظر ذره بینی در اشخاص و اشیاء دقت کرده آنها را امتحان می کند امریکائی شروع بکنجکاری و تحقیقات نموده در نتیجه حکایاتی شیرین و خنده آور با حزن انگیز و تاسف افزای نویسد.

تقریر وارو

صفحه از نژاد آریان

آریان ها که بقول اکثر مورخین سکنه قدیمی اروپا بوده و نواحی مختلفه اروپای شمالی و مرکزی را مهد ایشان دانسته اند هنگامیکه مانند سیل طرف اراضی مکشوفه پیش می آمدند و زن و بچه و گله ها و کپهای خود را هم همراه داشتند در اراضی شمال شرقی ایران طوایف و قبایلی یافتند که آنها را نجس و ملعون و متفوق تصور میکردند

این موجودات و هیولگی که در نظر ایشان وحش و عجیب بنظر میرسید در تالیفات و کتب مقدسه باسامی عبده از

زاع - صعوه

جای گزین زاع سیه گون پری دید یکی صعوه آشفته سر گرسنه ز این سوی بدان سو پیران هر طرفی زهزه آغاز کن هر چه طلب کرد و بهر سو شتافت زاع بدو گفت ز راه وداد در شجر سرکس کردن فراز من همه جا مرحله بیموده ام هر شجری کو نمر آرد بیار هر چه و هر یک شجری باریش و آنکه بر افراشته سر چون چنار هر دل و جانی که ز حکمت تپتی است و آنکه ز علم و عمل آکنده است

فخر نه ناطق ز فرزندگی است بلکه ره خواجگی از بندگی است

قبیل (پاتریکس) (بجه) (داوا) (نولی) یا غفریت و جن و دیو عیاه و غیره مذکور و ثبت است گذشته از اینها تقسیمات و اشتقاقات دیگری در ازمنه و اعصار که تواریخ و اخبار در طرق (میتو-لوژی) سیر مینمود باسامی فوق افزوده و ملحق شده است

وجود وزبست اجتماعی آریان را بعضی از مورخین بالغ بر دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد ثبت نموده اند و آثار و علامات مختلفه که در غار ها و تونل ها پیدا شده است تا هزار و پانصد سال را محرز مینماید

کشت گویتو در کتاب خود مینویسد غفریت خیلی شبیه به کلمه (آفریک) یا افریقا که مقصود آنها سیاه و وحشی بوده است میباشد و این نکته بخاطر می آورد که طوایف (هلینکها) را هم جای داده بودند اما کلمه جن لغتی است عربی و معنی آن فقط موجود و مخلوق است و مقصود از نوبی هم انسان سیاه نژاد میباشد بررور ایام و اعصار کلیه افراد معتقد شدند که مقصود از دیو و الفظ شبیه بان یک هیولای فوق الطبیعه و مخلوق عجیبی بوده است از یک جوهر خارق العاده و

اصولاً موذی و وحشی و بد کردار (از تومس) در کتاب خود که تاریخ هند را بزبان آریایی در آورده است مینویسد در اعصار و ازمنه اولیه تاریخ هند دیو ها عبارت از همان ایسلات و عشایر بومی هند بودند که پس از ورود نژاد آریان در مقابل ایشان بجدال و محاربه پرداخته سخت ایستادگی ویا فشاری میکردند و آریانها ایشان را بدین اسم نام نهادند بنا بر این در ابتدای امر هر انسانی که خارج از جنس و نژاد آریان بود به نظر ایشان دیوی محسوب میشد یکی از تالیفات گبرها که نسبتاً جدید است و موسوم به چهار چمن میباشد مینویسد: کلمه دیو یک خلقت موحش و عظیمی را میفهماند اما نه آنکه از جوهر خارجی و دارای قوی قامت طولانی باشد چنانچه عقیده جاهل است چیزی که در کلیه تواریخ قدیمه و تالیفات مختلفه مضبوط و متفق القول عموم است این است که قبل از ظهور انسان یک نوع مخلوقی در روی زمین وجود داشت که دور از صفت بشری و انسان مجبور و د برای زیست خود و استقرار امنیت خویش با آنها بجنگد و ایشان را مطیع و مقهور خود سازد



کتاب تورا و در فصول اول خود خواه قبل از طوفان و خواه بعد از طوفان از بدانات و فصولات راجع باینگونه مخلوقات مملو میباشد و همچنین روایات و اخبار عرب هم از مذهبی و غیر مذهبی و حکایات و قصص نیز فوق العاده متذکر اینقسم افراد است که قبل از خلقت انسان زمین را تصاحب نموده و رفته رفته در ابلیس تجسم یافتند تعجب در این است که قبل از ظهور حضرت رسول (ص) عرب بادیه نشین از روی میل و رغبت تمام خود را (عبدالجن) مینامیدند و این کلمه مایه افتخار آنها بوده است

مطابق روایات و اخباری که از ایرانیان و یونانیان و غیره باقی است سکنه اصلی ممالک ایران که قبل از آریان ها زیست میکردند اند مکره و بلند قامت «به طوریکه از اندازه معمولی بیشتر تجاوز می نموده» دندانهای بلند بیرون آمده و گوش هایش فوق العاده طویل و متجاوز از سرش و بهمین جهت آنان را فیل گوش هم لقب داده بودند دیگر آنکه فوق العاده تنبل و درنده و مانند سباع جنگلی بسر میبرد است - نه خانه داشته اند و نه مزرعه - در کوهها و قلل جبال سرگردان بوده و میخواستند برای تسکین دادن گرسنگی خویش تمام مخلوقات را ذبح و آزار برسانند کتاب انجیل در باب «حزات» ها Khorréens که گویا همان دیو بانظیر وی بوده است میگوید «از قحطی و گرسنگی کناره گرفته صحرائ خشک و بی آب و علف و مکانهای تاریک منفرداً فرار نموده است از میان سایر مردم رانده شده در کودال ها و سوراخهای زمین و شکافهای سنگ خارا مسکن گزیده الخ»

در حفريات بين النهرين چندین مجسمه پیدا شده است که عیناً صورتات و عقاید آنها را جمع به دیو در روی ایشان حک کرده یعنی دندانهای بلند گوشهای طویل قد و قامت دراز و موهای مجعد - بهلاوه برای نشان دادن سمیت ایشان بر روی بدن وی خطوطی مانند پوست ببر و پلنگ نقش نموده اند

چندین سال قبل بکنفره مندنس مستخدم ایران از اهل یتیه من Piemonte ایتالیا در خرابه های تخت جمشید یک صفحه مسی را پیدا کرد مساحت دویای مربع که روی آن دو عکس دیو مقابل یکدیگر حک شده بود و کاملاً شبیه به مجسمه فوق الذکر بود (بقیه دارد)

فخر نه ناطق ز فرزندگی است بلکه ره خواجگی از بندگی است

م - ناطق

اصولاً موذی و وحشی و بد کردار (از تومس) در کتاب خود که تاریخ هند را بزبان آریایی در آورده است مینویسد در اعصار و ازمنه اولیه تاریخ هند دیو ها عبارت از همان ایسلات و عشایر بومی هند بودند که پس از ورود نژاد آریان در مقابل ایشان بجدال و محاربه پرداخته سخت ایستادگی ویا فشاری میکردند و آریانها ایشان را بدین اسم نام نهادند بنا بر این در ابتدای امر هر انسانی که خارج از جنس و نژاد آریان بود به نظر ایشان دیوی محسوب میشد یکی از تالیفات گبرها که نسبتاً جدید است و موسوم به چهار چمن میباشد مینویسد: کلمه دیو یک خلقت موحش و عظیمی را میفهماند اما نه آنکه از جوهر خارجی و دارای قوی قامت طولانی باشد چنانچه عقیده جاهل است چیزی که در کلیه تواریخ قدیمه و تالیفات مختلفه مضبوط و متفق القول عموم است این است که قبل از ظهور انسان یک نوع مخلوقی در روی زمین وجود داشت که دور از صفت بشری و انسان مجبور و د برای زیست خود و استقرار امنیت خویش با آنها بجنگد و ایشان را مطیع و مقهور خود سازد

الفبای ولاتین

هر کسی بگفته ها و نوشته های دیگران اقبال نداشته باشد راه خطا رفته است بعضی از مردمان با بواسطه خودستیزی یا بسبب چیزهای دیگر بهر چیز بنظر تحقیر نگاه میکنند بی خبر از اینکه هر کلمه که از دهان یک نفر یا از زبان یک نویسنده گفته و نوشته میشود تأثیر خاصی دارد. اگر خطبایان و نویسندگان صاحب هنر و نفوذ کلام و قلم است بهتر و زودتر میتوانند مردمان را فریفته عقاید خود نمایند و حتی ایشان را بیرو خویش میکنند. چندی است که در مطبوعات طهران در باب الفبای لاتین مقالاتی نوشته میشود و نستوان باصراحت گفت که این مقالات نتیجه چه نوع افکار و تأثیراتی است دشواری خطاطی است که بعضی از نویسندگان ما را نوشتن این گونه مقالات وادار کرده است. اکنون خوب و باید ببینیم و برای بشرقت افکار خود دلالت و ترواه ذکر میکنند و بیشک و تردید چنانکه گفتیم به نسبت طرز فکر و نوشتن و دلائل نویسنده مقالات ایشان مؤثر واقع میشود پس باید بدون اظهار تعصب و لجاج قضاوتی و دلائل طرفداران و مخالفین تغییر الفبای و خط را خوانند و راه چاره یافت.

افشاشی فراهم آورد و «تولن دال» را متصل کرد آنگاه گفت خوب است تا هم قراردادی متعقد سازیم مأمور نیز هوش فرانسه رضاداد بوجوب این قرارداد باید مستمرات فرانسه و انگلیس هر دو آزاد باشند ولی انگلستان تا آوقت در هندوستان اراضی قابل ملاحظه را تحت تصرف در نیاورده بود در صورتی که فرانسویان ایالات بسیاری را تحت نفوذ داشتند بسیار خوب کار ما اگر بدون فکر و تأمل خواهیم الفبای را تغییر دهیم مثل آنست که با ملل شرق هوا خواه تغییر الفبای قراردادی متعقد کنیم که از این روز بپسندید چه خواهیم کرد و گذشته ها را بدست فراموشی سپاریم و آنها نیز رضا خواهند داد ولی باید دانست تمام ضرر متوجه ما خواهد بود زیرا دیگران چیزی ندارند که از دست بدهند ممکن است که خواننده این مقاله نویسنده آنرا مخالف تغییر و تسهیل الفبای بداند ولی اگر چنین گمانی کند مگر آن است که بشر طالب راحت و سهولت است زیرا آرزوی نویسنده این حضور — و آرزوی تمام ایرانیان بیشترت زبان و ادبیات فارسی است اما بطرز معقول و متین اگر از طرف داران تغییر الفبای بیترسیم که چرا انگلیس و فرانسویها معایب زبان خود را اصلاح نیکند میگویند دشواری و خواندن و نوشتن لغات آنها دلیل آن نیست که خوانندگان فارسی باید سخت و مشکل بنامند راست میگویند ولی آیا نباید پرسید که چگونه فکر ما در این باب از آنها روشن تر شده است. گمان میکنم موجدان بسیاری هست که باعث ابقاء طرز نوشتن یا هر کاری را زود تر و آسان تر انجام دهد و در مقابل این فکر هیچ چیز تاب مقاومت ندارد پس هر ایرانی ایران پرست که ادبیات و زبان خود را دوست میدارد و عظمت مملکت خود را نتیجه پایداری و اعیبت زبان خود میداند باید طرفدار تغییر باشد که بدون پایمال کردن سرمایه ادبی تعلیم آنرا آسان کند برای این کار تقلید از دیگر ملل علاوه بر آنکه مضرات غیر معقول میباشد زیرا زبان هرمت یکی از چیزهایی است که مخصوص آن میباشد و لغات و ترکیبات و تغییرات و سایر مختصات آن زبان را تاریخ و عوامل طبیعی آن مملکت که فقط منحصر بآن میباشد ایجاد نموده است تغییر الفبای کاری نیست که برای نیت هوی و هوس یا صرف تقلید کشورگورانه دیگران انجام یابد برای این مطلب تحقیقات و تنبیهات بسیار لازم است. باید محققین و کسانی که صلاحیت اظهار عقیده در این باب دارند تقابل خود را با دلائل متین انتشار دهند و ضمناً بگفته های دیگران نیز گوش دهند تا کاری از پیش رود. باید حساب کنند و بسنجند که باین تغییر چه چیزهایی را از دست میدهیم و چه نفعی میرسیم باید بدانند که آیا تنها دشواری خط فارسی است که مانع پیشرفت علم است یا بواعث دیگری نیز هست بایستی ثابت کنند که آیا عدم توجه اروپاییان بزبان ما نتیجه اشکال خط است یا آنکه همان چیزی که ما را از یاد گرفتن زبان اسپانیولی که حروفش لاتین است باز داشته اروپاییان را نیز بزبان ما متوجه نمانده است

صبی یا صائبی

بعقیده صبیان یکی از رب النوع ها موسوم به اوهر یا مادرخود تزویج نموده نوزده فرزند آورد که عبارت از دوازه برج و هفت کره معظم آسمانی میباشد اسمی دوازه برج و هفت کره در میان صبیان امروزه هنوز بزبان کلدانی استعمال میشود همین قضیه مدلل میدارد که قسمت عمده معتقدات این طایفه از افکار بابلی بتواتر محفوظ مانده است ایزدک اسمی مزبور را زابل شرح میدهم:

شاماش (آفتاب) فرمانفرمای روز ورب النوع نور است سرا (ماه) حکمران شب و خالق ماهتاب میباشد نراق (مریخ) خداوند جنگ و رب النوع کارزار است ایشو (عطارد)

خداوند علم و حکمت و دانائی است بعل (مشتری) رب النوع حسن و جمال میباشد لیوات (زهرة) رب النوع اختراعات می باشد کیوان (زحل کیوان فارسی) رب النوع رعد و برق میباشد اسمای برجهای دوازه گانه: اوهریا (بسه) تا او را (کاور) سلمی (ترازو) سارا (انابا) خرچنگ (آریا) شیر) شوبول (خوشه) کیشا (نی) آرکا (عقرب) حانیا (مادبان) غادبا (بزغاله) دولا (شتر) نونا (ماهی) برج اول دارای دوازه هزار سال عمر و برج دوم بازده هزار سال همین قسم تا برج آخر تونا که فقط هزار سال عمر دارد و پس از انعام دوره برج آخر دوره دنیا پایان خواهد رسید هر سال دارای برج مخصوصی خواهد بود همین قسم ماه ها و روز ها و ساعت ها هر کدام دارای برج معین میباشد از ایشرو طالع و اقبال اشخاص مطابق حساب بروج ها و اوقات تولد آنان معین میگردد هر مولودی بر طبق قاعده مخصوصی بنام یکی از برجهای دوازه گانه موسوم است که در موقع تعین آن اسم بر او تعلق میگردد پس نام دیگری هم از طرز خواندن لغات فرانسه و انگلیسی میباشد و طرفداران تغییر الفبای می خواهند آنها را از ان نامیدن باری امروز از طرق اشکال خطاطی در پیش هست و هیچکس مگر آن نیست و از طرفی سرمایه گرانیهای از ادبیات فارسی داریم که با تغییر الفبای بیع ناپود شدن آن میرود و از طرف دیگر هم اشکالات خط و دشواری خواندن لغات بعضی زبانهای اروپایی هم انسان را در تغییر سریع و با تأمل خط الفبای مردم مینماید چون این اشکالات وجود دارد باید فضلا و دانشمندان ممالک با کمال دقت در این مسئله مهم حیاتی و اجتماعی و ملی ایران شور و تحقیق نمایند و کسانی که مانند نویسنده این سطور در شك و تردید میباشد راه حقیقی و واقعی برسدن بقصود را شان دهند.

۵۵۵

صبی یا صائبی

بعقیده صبیان یکی از رب النوع ها موسوم به اوهر یا مادرخود تزویج نموده نوزده فرزند آورد که عبارت از دوازه برج و هفت کره معظم آسمانی میباشد اسمی دوازه برج و هفت کره در میان صبیان امروزه هنوز بزبان کلدانی استعمال میشود همین قضیه مدلل میدارد که قسمت عمده معتقدات این طایفه از افکار بابلی بتواتر محفوظ مانده است ایزدک اسمی مزبور را زابل شرح میدهم:

شاماش (آفتاب) فرمانفرمای روز ورب النوع نور است سرا (ماه) حکمران شب و خالق ماهتاب میباشد نراق (مریخ) خداوند جنگ و رب النوع کارزار است ایشو (عطارد)

حکایت

عربی در میان مکه و شام بهر تحصیل مال و کسب هنر مدتی سیر کرد و هیچ نیافت چندی که راه بادیه پیرید از کمر باز کرد انبانی چون بخوردن نشست آن سره مرد بدوی چون شنید بوی طعام داد او را جواب و گفت که گفت من چرا کر سرای توام گفت از خیل من خبرداری گفت چونست احمد آن پسرم گفت از فضل و رحمت بزندان گفت چونست مادر احمد گفت چونست قصر و ایوانم گفت آن قصر دلکش و ایوان گفت آن بارکش شتر چونست گفت باوی که فریه است چنان گفت چونست آن سگ در من گفت او خاک آستانه تست چون عرب قصه را شنید تمام خورد چندانکه سیرگشت از آن بدوی چون خساست او دید ناگهان دید کز کفاره دشت قبیل موارد تغییر آگین میدهند صبیان بیش از هر چیز بطلم و سحر و جادو عقیده مند هستند و برای هر دردی طلسم و دعای مخصوصی ترتیب داده اند چنانکه یکی از آنان در موقع ناخوشی نزد طبیعی رفته بود و نسخه طبیب را مانند ورقه طلسم با خود همراه میبرد در وقت افتادن از میحط تمدن نار یکی عمومی شرق با بنطایفه را از کلبه وسایل معالجات امروز محروم نموده است فقط زندگانی در هوا میگذرانند و کارهای طبیعی آنها را از مخاطره انقراض محفوظ داشته است و کر نه کمتر بوسایل مادی عقیده داشته و از آن استمداد میکنند از ایام خیلی قدیم در صنعت عالی مخصوص این طایفه بوده است که بطور ارثی استعداد فوق العاده در هر دو قسمت آن پیدا نموده اند اول نجاری و بالاخص کشتی سازی است در نواحی خلیج فارس هر کشتی نادی با زورقی که کار دست استادان صبی بوده چندین مقابل کار های معمولی قیمت و ارزش دارد

رسیدت شیخ

میکرد بطفل خود وصیت شیخی ز خدا حیا نکرده کای جان بدو مباد ماند پند پدر اعتنا نکرده آنجا که هرید خرز باد است کلمب نشوی خدا نکرده سر مد

بدوی چون بدید آهورا از دل خسته حسرت آه او را چون عرب آه درد ناک شود گفت باوی که آه هر چه بود گفت ازین بود کان سک در تو گر نمی شکست صدقه سر تو آه و گرا نمی گذاشت کمنوف که از این دشت جان برد بیرون گفت ایوای آن سگک چون مرد گفت خون شتر که ریخت بگو گفت کشتند اشتر سره ات که دهنده آب و آتش همسره است گفت ایوای زوجهام چون مرد گفت از سگه کوفت سر بزیمین گفت ایوای چون گذشت احمد گفت قصرش بسر فرود آمد چون عرب قصه فراق شنید خاک بر سر فشاند و جامه درید بعد از آن راه خیل خویش گرفت ای لوائی تو نیز چون بدوی که اگر مدعات بر نابد



از دل خسته حسرت آه او را
گفت باوی که آه هر چه بود
گفت ازین بود کان سک در تو
گر نمی شکست صدقه سر تو
که از این دشت جان برد بیرون
گفت خون شتر که ریخت بگو
گفت کشتند اشتر سره ات
که دهنده آب و آتش همسره است
گفت ایوای زوجهام چون مرد
گفت از سگه کوفت سر بزیمین
گفت ایوای چون گذشت احمد
گفت قصرش بسر فرود آمد
چون عرب قصه فراق شنید
خاک بر سر فشاند و جامه درید
بعد از آن راه خیل خویش گرفت
ای لوائی تو نیز چون بدوی
که اگر مدعات بر نابد

GOOD YEAR

زیرین گو دایر داشته باشد
سوار شوند دقت کنید اتومبیل شما
تولید کنند فراموش نکنید قبل از آنکه
رسید بدون اینکه در راه اسباب زحمت
ندید خاطر جمع باشید موقع مقصد خراشید
بفرسختاراهی که باید طی کنید اهمیت
اگر اتومبیل شما زین گو دایر دارد

چای معطر سیاه چینی

فرم کاشانسکی

Чай Кашанскій

Получен свежий Китайский

Ароматичкий чай фирмы Кашанского

в аригинальных 1-1/2 фунтовых каробках любители пить хорошего чая вселда могут купить малазине Лалазар Аббас-хан силари и Насирые Касрай и других магазина силарй

نمبره اعلان ۵۱۷

۲۵-۶

نقل مکان

میرزا اسمعیل ساعت ساز که سابقاً در خیابان اسلامبول بود به مسافره آقای مرتضی قلیخان بختیاری در چهار راه علاء الدوله نقل مکان کرده است
۱۰-۷

اعلان

(مؤده بعلاقمندان ادبیات)

چون به همت و مساعدت چند تن از دوستداران عالم شعر و ادب در نظر گرفته شده است تذکره الشعرائی که حاوی آثار و مختصر شرح حال گویندگان از قرن اول هجرت تا زمانها هذا باشد تنظیم باید لذلایم است طرفداران شعر و ادبیات و صاحبان ذوق و طبع اعم از ساکنین مرکز و ایالات و ولایات داخلی ایران و ممالک افغان و هندوستان و قفقاز و سایر نقاط فارسی زبان باین مقصد مساعدت و معاضدت فرموده هر يك از آقایان دو غزل ادبی که متجاوز از نه و کمتر از پنج بیت نباشد از آثار طبع خود با تصویر بک گره و قسمتی هم از آثار شعرائی که از سنه (۱۳۰۰) هجری به بعد در قید حیات بوده و با رحلت نموده اند به طهران بادرین کتابخانه ترقی مرقوم و ارسال دارند و این بنده و سایر علاقه مندان را باین لطف مرقوم منت خود قرار دهند بدیهی است خود نیز بی بهره نخواهند بود و این نکته را نیز تذکراً عرضه میدارد که چنانچه در وجه غیر نامل داشته باشند ممکن است مراسلات مزبوره را بدون تمیز به همان آدرس فوق ارسال داشته از طرف این بنده تادیه خواهد شد
نمبره اعلان ۵۲۳ (شمس الدین حقی سلطان نظمیه)

چاپخانه فردین و برادر

اعلان

بهترین - فشنگترین - ارزاترین - محکمترین -

گفش های

زنانه - مردانه - بیچکانه - را از تجارتخانه

حاجی محمد حسن و حاجی محمد حسین

بلور فروشان

سرای حاجب الدوله

خریداری فرمائید

نمبره ۵۴۳

پرس آذ نفت

بخرید

بنزین فقط و روغن



را که محصول معادن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در بادکوبه و بهترین جنس مواد نفتی میباشد

فروش در همه جا و بهر مقدار

محصولات وطنی



بنزین پارس BP

نفت نخلی نفت ایران

بنزین پارس و نفت نخلی در کلید نقاط طهران بفروش میرسد

بهای طوفان

یک ساله ۱۰۰ قران شش ماهه ۵۵ قران ولایات و خارجه بعلاوه اجرت بست

(جای اداره)

طهران - خیابان علاء الدوله نمرة تلفن ۱۱۶۸ تک شماره ۸ شاهی

طوفان هفتگی

صاحب تیار و میرزقی

قیمت اعلانات

صفحه اول سطرى ۵ قران دوم ۳ قران از سوم الى هشتم يك قران

(طوفان هفتگی)

نامعاست ادبی اجتماعی و سه شنبه ها منتشر میشود عنوان تلگرافی طوفان

۳ شنبه ۶ آذر ماه ۱۳۰۷ شماره هفتگی ۱۳ ۱۴ شهر جمادی الاخر ۱۳۴۷ شماره مسلسل ۷۲ ۲۷ نوامبر ۱۹۲۸

صنایع مستظرفه

شام آقای میرزا اسمعیل خان بکائی

انواع صنعت

گفته بودیم که صنعت ملاحظه غرض و غایه که بالضروره در آن منظور میشود بدو شعبه جدا گانه منقسم میگردد. و سبب این انشعاب را بدین نحو بیان کردیم که اگر غایه منظوره در صنعت فایده باشد (صنایع مفیده) و هرگاه غرض از صنعتی تولید هیجان بدیعی و تحریک ذوق گردد (صنایع مستظرفه) نامیده میشود. پس ' مصنوعات که فائده مادی مردم نداده و با لوازم زندگانی علاقه مستقیم نداشته و فقط تولید ذوق و تحریک هیجان بدیعی میکند - (صنایع مستظرفه) خوانده میشود. و اینگونه مصنوعات بشری از حیث غرض و غایه که در آنها منظور است از (صنایع مفیده) کاملاً مجزی و متمایز میباشد. و موضوع بحث ما در این مقالات همین جنس از صنعت بوده که انواع معروفه ذیل را شامل است :-

۱- نقاشی ۲- موسیقی شناسی ۳- مجسمه سازی ۴- معماری ۵- شاعری بسیاری از علما هستند که (رقص) را هم نوع مستقلی از صنایع مستظرفه شمرده اند. و این عقیده بنظر نگارنده رای صوابی است؛ زیرا در صورتیکه تعریف صنایع مستظرفه شامل رقص هست خود رقص جزو هیچ يك از انواع پنجگانه مذکوره نیست. بعبارت واضحتر 'صنعت رقص' حرکات و سکناات موزون و مرتبی است که برای انسان تولید هیجان بدیعی میکند. و چون عبارتست از حرکات سکناات مرتب و منظم؛ با هیچ يك از نقاشی، موسیقی شناسی، مجسمه سازی، معماری و شاعری، علاقه و رابطه ندارد؛ بسبب آنکه در ماهیت هیچکدام از اینها حرکات و سکناات صنعتکار درمخل نیست؛ بنا بر این شعبات اساسی صنایع مستظرفه بقول علمای فن 'شصت صنعت جدا گانه میگردد.

وقتی که ما رقص را استقلال تام و تمامی بخشیده يك صنعت مجزی از امثال و اقارب خود شمرديم؛ دور از انصاف است که هنر مهمی مانند مقلدی (آکتیری) را از حال آوارگی در نیاروده طفیلی این و آن محسوب داریم. درست است که مؤلفات تئاتری (پیسها) جزو شعر بمعنی عمومی آن -- که ادبیات میباشد -- بشمار میرود ولی هنر (آکتیری) که تمایش دادن محتویات همان مؤلفات در صحنه تئاتر می باشد - خود برآسه 'صنعت مستقلی بوده و عبارت از اقوال و افعال منظم و مرتبی است که تولید ذوق و هیجان بدیعی میکند؛ در صورتیکه در مفهوم هیچکدام از انواع ششگانه مزور داخل نیست؛ بنا بر این مقدمات 'عقیده نگارنده بر این است که انواع صنایع مستظرفه هفت صنعت مستقل و مجزی میباشد: اول ' شاعری. دوم، موسیقی شناسی سوم، نقاشی. چهارم، مجسمه سازی پنجم، معماری. ششم، آکتیری. هفتم، رقص.

هریک از این انواع هفتگانه صنعت - که در واقع 'هر هفت' زندگانی بشرند - در نتیجه ترقیات بشر و تکامل مدنیت وی؛ صنوف زیادی منقسم گردیده و هرصنفی هم در دایره فعالیت خود پیشرفتهای بسیاری کرده است :-

مثلاً؛ نقاشی؛ ابتدا با خطوط ساده (رسم) شروع شده پس از آن تقلید 'سایه و روشن' بدان علاوه شده؛ یعنی صنعتکار موفق گردیده است بر اینکه تصویر چیزی را بنحوی کشد که در روشنائی و سایه ماندن هر قسمتی از آن مجسم گردد. از این صنعت هم هنر 'سیاه قلم' بوجود آمده و تکامل یافته؛ بعد نقاش 'رنک

غزل

از آثار آقای «بهار» که در اورکست شب جمعه خوانده شد

اگر تو رخ بگشائی ستم نخواهد شد
ز حسن و خوبی تو هیچ کم نخواهد شد

برون ز زلف تو یکلفه هم نخواهد رفت
کم از دهان تو يك ذره هم نخواهد شد
تویاک باش و برون آی بیحجاب و منترس
کسی بصدی غزال حرم نخواهد شد
اگر بر آن -ری ایماهرو که روز مرا
کسی سیاه بزلت قسم نخواهد شد
گر زنی جو قلم بند بند این سر من
ز بندگت جدا بکفتم نخواهد شد
برون خرام و ز دشمن حذر میکن که تورا
بیر دوست کسی هفتم نخواهد شد
رقیب کفت «بهار» از تو -سیر شد هیهات
بصرف وقت، کسی منتم نخواهد شد

برای فروش طوفان

اداره روزنامه طوفان ده نفر موزع با شرایط ذیل گنترت می کند.
اولا - داوطلبان نباید کمتر از ۱۵ و بیش از ۲۰ سال داشته باشند
ثانیا - بکنفر ضامن معتبر که مورد تصدیق گیساریای محل باشد باید بداره معرفی نمایند
اداره طوفان نیز علاوه بر مقررات دیگری که در نظامنامه خاصی تعیین میشود برای برگزیدگان داوطلب مراتب ذیل را رعایت مینماید
اولا - برای مدت یکسال با موزعین گنترت می بندد
ثانیا - دو دست ایاس مخصوص اداره طوفان در سال یکی اول زمستان دیگری اول تابستان بوزعین داده میشود
ثالثا - ماهی شش تومان بطور یوبیه بهر يك میردازد
رابعا - علاوه بر این یوبیه از فروش هر شماره روز نامه نیز حقی بوزع میدهد
خامسا - در صورت حسن خدمت در هر ماه انعامی نیز بهر يك داده میشود
داوطلبان در ظرف یک هفته میتوانند خود را بداره طرفان معرفی کنند

و روغنی، و اقسام، منظره، و غیره... صفا بخش ادواق افراد بشر گردیده است. همچنین در ادبیات - که شعبه مهمه از شعبات صنایع مستظرفه بوده و موضوع اصلی مقالات ما را تشکیل خواهد داد - در نتیجه ترقی و تکامل مدنیت نظم از نثر بالهره مجزی گردیده؛ سپس در نظم، غزل، قصیده، نسیب، ترجیع، ترکیب، رباعی، فرد، مثنوی، مسمط و هکذا در نثر، خطابه، منشور، مثل، حکم، قحنامه، عهدنامه، فرمان، مکتوب، تهذیب نامه، تعزیت نامه، عرضه، رقععه و غیره... بوجود آمده و این تقسیمات را قدما و متأخرین ادبا از روی فلسفه و منطقی قائل شده و بر حسب فلسفه دیگر تقسیمات دیگری دارند. و همچنین ادبای معاصر بمقتضای تغییرات و تبدلانی که در ظرف چندین قرن رخ داده و مخصوصاً در نتیجه اقتصاداتیکه از ادبیات غرب